

جامعه‌شناسی تشیع - ۱

نوشته‌ی

آرمان ذاکری

با مقدمه دکتر سارا شریعتی

مقدمه‌ای بر

مواجهه

با علوم اجتماعی در

سنت‌های شیعی

نگارخانه

نشر نگاه معاصر

فهرست مطالب

۱۱	□ پیشگفتار
۱۵	□ مقدمه: در معنا و محدودیت‌های جامعه‌شناسی تشیع / سارا شریعتی
۱۷	از اسلام‌شناسی تا مطالعات اجتماعی تشیع: نگاهی به پیشینه‌ی مطالعات
۲۸	در معنا و محدودیت‌های جامعه‌شناسی تشیع
۳۵	تشیع زیسته: برخی از خودویژگی‌های جامعه‌ی شیعی
۴۰	۱. دین همچون نهاد: روحانیت
۴۲	۲. دین همچون مناسک: عزاداری
۴۴	۳. دین در حرکت: زیارت
۴۶	سنجش نسبت اسلام و علوم اجتماعی، مواجهه‌ی سنت‌ها
۴۸	منابع
۵۱	فصل اول: برخی مباحث مقدماتی
۵۳	۱. اسلام و علوم اجتماعی در جهان معاصر
۵۴	الف. مسأله‌ی علوم اجتماعی و دین
۵۵	ب. مسأله‌ی علوم اجتماعی و استعمار
۵۶	۲. اسلام و علوم اجتماعی در جهان اسلام
۶۰	۳. دلایل شکل‌نگرفتن رویکرد اجتماعی در اسلام؛ منطق امر اجتماعی یا منطق اندیشه
۶۰	■ منطق امر اجتماعی عامل شکل‌نگرفتن نسبت میان دو حوزه
۶۱	■ منطق اندیشه عامل شکل‌نگرفتن نسبت میان دو حوزه
۶۳	۴. در اهمیت سنجش نسبت اسلام و علوم اجتماعی
۶۵	الف. عقب‌ماندگی علمی
۶۶	ب. نقش اسلام در پویایی یا توقف علوم اجتماعی
۶۶	ج. مسأله محوری در جامعه‌شناسی
۶۷	د. لزوم مطالعه‌ی جامعه‌شناختی، تاریخی و معرفت‌شناختی دین

۶۷	۵. سابقه‌ی بحث از نسبت اسلام و علوم اجتماعی
۶۹	I. علوم انسانی زمینه‌مند
۷۱	II. ابعاد مسأله اسلام و علوم اجتماعی در ایران (تأکید بر دوره بعد از انقلاب ایران)
۷۷	۶. چرا دکتر علی شریعتی، علامه حکیمی و آیت‌الله جوادی آملی؟
۷۸	۷. پاره‌ای توضیحات در باب روش
۸۱	فصل دوم: مفاهیم بنیادی
۸۳	مقدمه
۸۴	۱. مفهوم سنجش
۸۶	۲. اسلام
۸۷	۳. علوم اجتماعی
۸۸	الف. مناقشه‌ی نام‌ها
۹۰	ب. مناقشه‌ی روش‌ها
۹۵	ج. ابژکتیویته؛ شاخص محوری
۱۰۴	د. مراد از علوم اجتماعی
۱۰۹	فصل سوم: علامه حکیمی و ضرورت حدگذاری در علم و فلسفه
۱۱۰	دست‌نوشته‌ی علامه حکیمی برای نگارنده
۱۱۱	مقدمه
۱۱۳	۱. تعریف: مکتب تفکیک
۱۱۶	الف. تاریخچه
۱۱۹	ب. چهره‌ها
۱۲۲	ج. علامه محمدرضا حکیمی
۱۲۶	۲. علامه حکیمی و علوم اجتماعی
۱۲۸	الف. مبادی عقلی
۱۳۳	ب. علم
۱۴۶	ج. شاخص‌های مهم: عینیت‌گرایی، انسان‌شناسی، توجه به اقتصاد و تاریخ
۱۴۶	I. عینیت‌گرایی
۱۴۶	۱. توجه به عینیت‌گرایی قرآنی
۱۴۸	۲. نقد ذهنی‌گرایی فلسفه اسلامی
۱۵۲	۳. توجه به رابطه‌ی اخلاق و علم‌الاجتماع
۱۵۳	II. انسان‌شناسی
۱۵۶	III. توجه به اقتصاد و تاریخ
۱۶۰	۳. نگاهی دوباره به آرای علامه حکیمی در نسبت با علوم اجتماعی

۱۶۵	فصل چهارم: آیت‌الله جوادی آملی و ضرورت «اسلامی‌سازی علوم»
۱۶۷	مقدمه
۱۶۷	۱. تعریف: حکمت متعالیه
۱۶۹	الف. تاریخچه
۱۷۳	ب. چهره‌ها
۱۷۴	ج. آیت‌الله جوادی آملی
۱۸۰	۲. آیت‌الله جوادی آملی و علوم اجتماعی
۱۸۱	الف. مبادی فلسفی
۱۹۱	ب. علم
۲۰۸	ج. شاخص‌ها: عینیت‌گرایی، انسان‌شناسی، توجه به اقتصاد و تاریخ
۲۰۸	I. عینیت‌گرایی
۲۱۴	II. انسان‌شناسی
۲۱۸	III. توجه به اقتصاد و تاریخ
۲۲۱	۳. چند نکته پیرامون آرای آیت‌الله جوادی آملی و علوم اجتماعی
۲۲۵	فصل پنجم: دکتر علی شریعتی و علوم انسانی به مثابه روش
۲۲۷	مقدمه
۲۲۸	۱. تعریف: روشنفکری مذهبی
۲۳۴	الف. تاریخچه
۲۳۶	ب. چهره‌ها
۲۳۹	ج. دکتر علی شریعتی
۲۵۱	۲. دکتر علی شریعتی و علوم اجتماعی
۲۵۶	الف. مبادی فلسفی
۲۶۶	ب. علم
۲۷۶	ج. شاخص‌ها: عینیت‌گرایی، انسان‌شناسی، توجه به اقتصاد و تاریخ
۲۷۶	I. عینیت‌گرایی
۲۸۰	II. انسان‌شناسی
۲۸۵	III. توجه به اقتصاد و تاریخ
۲۸۹	۳. برخی دقت نظرها در رأی دکتر علی شریعتی در نسبت اسلام و علوم اجتماعی
۲۹۳	فصل ششم: پاره‌ای تأملات نهایی
۲۹۵	پرسش از سنت: موقعیت علم در سنت‌های فکر اسلامی
۲۹۶	گذری بر تاریخ اجتماعی-سیاسی در نسبت با علوم
۳۰۲	نگاهی به تاریخ اندیشه در نسبت با علوم

پیشگفتار

آنچه پیش روی خواننده قرار دارد، در حقیقت متن منقح شده‌ی رساله‌ی کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «سنجش نسبت اسلام و علوم اجتماعی» (از خلال مطالعه تطبیقی آثار علامه حکیمی، آیت‌الله جوادی آملی و دکتر علی شریعتی) است که در دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، زیر نظر دکتر سارا شریعتی مزینانی و با مشاورت استاد مصطفی ملکیان به رشته تحریر در آمد.

متن حاضر در قالب یک مقدمه و شش فصل تهیه شده است. فصل اول (برخی مباحث مقدماتی) به طرح پاره‌ای مباحث کلی در باب اهمیت، جایگاه و سوابق بحث از نسبت اسلام و علوم اجتماعی اختصاص داده شده است. در فصل دوم (مفاهیم بنیادی) به توضیح سه مفهوم بنیادی پژوهش که در عنوان رساله نیز موجود بوده‌اند، یعنی «سنجش»، «اسلام» و «علوم اجتماعی» پرداخته‌ایم. روش‌شناسی فلسفی پژوهش ذیل واژه‌ی سنجش توضیح داده شده است.

در سه فصل بعد به ترتیب سنجش آرای علامه حکیمی، آیت‌الله جوادی آملی و دکتر شریعتی به عنوان نمایندگان سه سنت فکری متفاوت (مکتب تفکیک، فلسفه‌ی اسلامی و روشنفکری دینی) در نسبت اسلام و علوم اجتماعی انجام شده است. از آنجا که بنا بر مطالعه «تطبیقی» آرای این سه متفکر بوده، هر سه فصل از ساختار کاملاً یکسانی برخوردارند و مفاهیم یکسانی در هر سه سنجیده شده است. در این سه فصل تلاش شده منظومه‌ی فکری هریک از سه متفکر، با شروع از مبادی اصلی فکرشان در نسبت اسلام و علوم اجتماعی بازسازی شود. در توصیف آثار آنان سعی شده با ارجاع فراوان به متون اصلی، حتی الامکان توصیفی جامع و خالی از داوری، ارائه گردد. در نهایت در فصل ششم، پاره‌ای تأملات حاصل از نتایج به دست آمده در فصل‌های قبلی مورد اشاره قرار گرفته است. مقدمه ارزشمندی که دکتر سارا شریعتی مزینانی بر این اثر نگاشته‌اند، در حقیقت تلاشی برای توضیح پروژه‌ی عام «جامعه‌شناسی تشیع» است که این پژوهش مقدمه‌ای ضروری برای ورود به آن حوزه قلمداد می‌شود.

ذکر این نکته ضروری است که تمام مباحث طرح شده در این اثر، بر مبنای وقوف به تفاوت‌های ژرف موجود میان معانی مفاهیم در متون سنتی با علوم انسانی جدید و دشواری «هم‌بانی» این منظومه‌ها نوشته شده و لذا ادعا در این رساله از حد بحث در «زمینه»‌هایی که اگر بسطی اجبابی یابند، شرایط امکان تحولی در منظومه‌ی مفاهیم سنتی را به سمت درکی نو از علوم اجتماعی فراهم می‌کنند، فراتر نمی‌رود. چنین تحولی بی‌گمان در پرتو تذکری جدی به متون علوم انسانی جدید ممکن خواهد شد.

